

آینده

دگرگونی ماهیت ۴۰ درصدی مشاغل جهانی با هوش مصنوعی



رئیس سازمان ملی هوش مصنوعی گفت: گسترش استفاده از این پدیده منجر به دگرگونی ماهیت ۴۰ تا ۴۵ درصدی مشاغل در سطح جهان خواهد شد و طبق پیش بینی‌ها اتریین ۷ تا ۱۰ درصدی در GDP جهانی خواهد داشت.

محمدسعید سرافراز، رئیس سازمان ملی هوش مصنوعی، هوش مصنوعی را پدیده‌ای خواند که سرعت بسیار بالا و نقش تحول برانگیز آن، دنیا و همچنین وضعیت کشورها را تغییر می‌دهد. رئیس سازمان ملی هوش مصنوعی با اشاره به هویت یابی تازه کشورها با ورود فناوری به بازار جهانی گفت: اگر خود را فقط مصرف‌کننده هوش مصنوعی و فناوری تعریف کنیم نمی‌توانیم موفقیت یابیم و باید در این زنجیره جهانی ارزش یک وابستگی فناوری به خودمان ایجاد کنیم. سرافراز با اشاره به سرعت پیشرفت هوش مصنوعی افزود: این فناوری موجب ایجاد تغییرات گسترده جهانی شده و رقابت بر سر این موضوع در مقیاس جهانی بسیار بالا رفته و گزارش‌ها سرمایه‌گذاری سالیانه بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار در سال را در این فناوری نشان می‌دهد. گسترش استفاده از این پدیده منجر به دگرگونی ماهیت ۴۰ تا ۴۵ درصد مشاغل در سطح جهان خواهد شد و طبق پیش بینی‌ها اتریین ۷ تا ۱۰ درصدی در GDP جهانی خواهد داشت.

رئیس سازمان ملی هوش مصنوعی با برشمردن چالش‌های مربوط به توسعه این فناوری، محدودیت منابع، تحریم‌ها، چالش حفظ نیروی انسانی سرمایه‌مدومساله داده‌ها را عواملی خواند که روی توسعه این فناوری تأثیر گذاشته گفت: در صورت عدم اتخاذ رویکرد متعادل توزیع منابع احتمالاً به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم.

رئیس سازمان ملی هوش مصنوعی وضعیت کشور را از جنبه نیروی انسانی در زمینه هوش مصنوعی برخوردار و خوب دانست و لزوم ایجاد شرایط لازم برای نگره‌داشت این سرمایه انسانی را به عنوان چالش اصلی این عرصه قلمداد کرد. او همچنین گفت: بازارهای بالقوه منطقه فرصت مناسبی است برای حضور و فعالیت بازیگران داخلی به منظور درآمدزایی از این فناوری که کمتر به آن پرداخته شده است. هرچند لازمه این فعالیت فرامرزی حرکت به سمت بنگاه‌های اقتصادی و میدان دادن به شرکت‌های بزرگ برای حضور در عرصه بین‌المللی است. رئیس سازمان ملی هوش مصنوعی سهم داشتن کشور در زنجیره جهانی توسعه هوش مصنوعی را امر مهمی قلمداد کرد و اظهار داشت: اتخاذ راهبرد صحیح و واحد در گام نخست برای این امر مهم و راهبردی است و تنها در این صورت، وضعیت مناسبی برای کشور در موقعیت جهانی جدید کشورها پس از هوش مصنوعی محقق خواهد شد.

بدانیم

ورزش چگونه با افسردگی مبارزه می‌کند؟



پژوهشگران معتقدند آثار ضد افسردگی ورزش احتمالاً به دلیل تأثیر آن در کاهش التهاب و افزایش دوپامین و در نتیجه افزایش انگیزه است. یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد فعالیت‌های هوازی احتمالاً در درمان افسردگی بسیار پراهمیت است. پژوهشگران کالج دانشگاهی لندن در انگلیس، تأثیر فعالیت‌های بدنی بر مغز و بدن را بررسی کردند تا دریابند این فعالیت‌ها چگونه به کاهش علائم افسردگی کمک می‌کند. افسردگی، عامل اصلی ناتوانی در سراسر جهان است؛ زیرا فرآیندهای اصلی مغزی و روانی از جمله یادگیری، حافظه و انگیزه را مختل می‌کند. ورزش‌های هوازی، علائم افسردگی را کاهش می‌دهد؛ اما سازوکارهای اساسی آن هنوز نامشخص است.

فرضیه‌سازی سازوکارهای ضد افسردگی ورزش

در پژوهش فعلی، پژوهشگران فرضیه جدیدی را با محوریت انگیزه پیشنهاد کردند. آن‌ها معتقدند ورزش با افزایش انگیزه، که عاملی مهم برای بهبودی به‌شمار می‌رود، علائم افسردگی مانند فقدان لذت (از دست دادن علاقه تجربیات زندگی یا لذت نبردن از آن‌ها) و انرژی کم و «مه‌آلودگی مغز» را برطرف می‌کند. مه‌آلودگی مغز زمانی اتفاق می‌افتد که فرد کمی کمتر از حد معمول بیدار یا هوشیار باشد. در این حالت فرد از زمان یا محیط اطراف خود کاملاً آگاه نیست و به دشواری توجه می‌کند.

بینش بیولوژیک درباره افسردگی و ورزش

این گروه پژوهشی، مقاله‌هایی را درباره سازوکارهای افسردگی هم در انسان و هم در حیوانات، بررسی و خلاصه کردند و به این نتیجه رسیدند که افسردگی، به‌ویژه فقدان لذت، با افزایش التهاب (ناشی از پاسخ ایمنی بدن) مرتبط است. نکته مهم این‌که التهاب با مختل شدن انتقال دوپامین نیز ارتباط دارد. این تغییرات بیولوژیک ممکن است نشان دهنده فرآیندهای مهمی باشد که به تغییر در انگیزه و به‌ویژه تمایل کمتر برای انجام فعالیت‌های فیزیکی یا ذهنی منجر شود.

امیلی هیرد (Emily Hird)، سرپرست گروه پژوهشی، گفت: اثر ضد افسردگی ورزش‌های هوازی به‌طور قانع‌کننده‌ای با کارآزمایی‌های تصادفی کنترل‌شده نشان داده شده؛ اما سازوکار آن به خوبی شناخته نشده است. این تا حدی به این دلیل است که احتمالاً شامل انواع فرآیندهای بیولوژیک و روانی است. وی افزود: مثلاً، ورزش در کنار تأثیر مثبتی که بر التهاب، دوپامین و پردازش پاداش دارد، استرس اکسیداتیو را نیز کاهش و عزت‌نفس و خودکارآمدی (یاور به توانایی‌های خود) را افزایش می‌دهد.

در هر صورت معتقدیم ورزش، به‌ویژه فعالیت‌های هوازی که باعث تعریق و تقویت تنفس می‌شود، التهاب را کاهش و انتقال دوپامین را افزایش می‌دهد، که به نوبه خود موجب افزایش میل به تلاش و در نتیجه به‌طور کلی افزایش انگیزه می‌شود. این گروه پژوهشی امیدوار است این فهم از چگونگی کاهش علائم افسردگی با ورزش، به طراحی روش‌های درمانی جدید، مانند برنامه‌های ورزشی شخصی‌سازی شده کمک کند.



«شهروند» دلایل شهرت مجرمان در فضای مجازی را بررسی می‌کند

بزهکار یا قهرمان؟

«مریم رضاخواه» ارادل و اوپاش اند اما خود را لات، با مرام و حتی پهلوان معرفی می‌کنند. سلبریتی‌های شرارت، فضای مجازی را هم قرق کرده اند. اینستاگرام را فضای تاخت و تاز خود قرار داده اند تا با توجه پروری فرهنگی بی ریشه را رواج دهند. پدیده سلبریتی‌ساز شرارت در اواخر دهه ۹۰ با کلیپ‌های وحید مرادی، گنده لات خطرناک آغاز شد. او از معروف‌ترین ارادل و اوپاشی بود که در فضای مجازی بسیار فعالیت داشت و در زندان به قتل رسید. این مجرم که در فضای مجازی خود را عقاب ایران معرفی کرده بود با ترویج فرهنگ شرارت، فالوور جذب می‌کرد. از آن زمان سلبریتی شرارت در فضای مجازی رخنه کرد. البته این پدیده تنها معطوف به کشور ما نیست و در تمام دنیا وجود دارد.

حالا ارادل و اوپاش با اسامی واقعی یا مستعار در حالی که خالکوبی‌های عجیب بر تن و چهره و رد زخم جاقو و تیزی روی صورت و بدن دارند مروج فرهنگ شرارت در فضای مجازی هستند. پدیده‌های عجیب که ریشه‌های آن را باید در جابه‌جایی مرجعیت ارزش‌های تاریخی فرهنگیمان جستجو کنیم. تبدیل بزهکاران به قهرمانانی که بخشی از جامعه آنان را تحسین می‌کند، پدیده‌های نگران‌کننده در شبکه‌های اجتماعی است. اما چه عواملی موجب می‌شود که برخی افراد، کسانی که قوانین را زیر پا می‌گذارند یا ارزش‌های اخلاقی را نقض می‌کنند، به عنوان الگو یا قهرمان در فضای مجازی معرفی شوند؟ «شهروند» در گفت و گو با کارشناسان دلایل محبوبیت مجرمان در فضای مجازی را بررسی می‌کند.

برای تشخیص محتوای مناسب از ناهنجار، یکی از مهم‌ترین راهکارها است. این آموزش‌ها باید از مدارس شروع شود و به خانواده‌ها نیز انتقال یابد. برای جلوگیری از قهرمان‌سازی بزهکاران، باید الگوسازی‌های مناسب از افراد موفق، خیرخواه و قانون‌مدار در فضای مجازی ترویج شود. پلتفرم‌های اجتماعی باید مسئولیت بیشتری در قبال محتوای منتشرشده بپذیرند و از انتشار محتوای ترویج‌دهنده بزهکاری جلوگیری کنند. همچنین بستریایی برای گفت‌وگو در جامعه ایجاد شود تا ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی تقویت شود و افراد به درک بهتری از پیامدهای جرم برسند. او معتقد است که محبوبیت بزهکاران در فضای مجازی، زنگ خطری برای ارزش‌های اجتماعی است. این پدیده نه تنها تصویر غلطی از هنجارشکنی ارائه می‌دهد، بلکه می‌تواند تأثیرات مخربی بر نسل جوان داشته باشد. با آموزش، نظارت و الگوسازی مثبت، می‌توان این روند را معکوس کرد و جامعه را به سوی پذیرش الگوهای سالم‌تر سوق داد.»

جامعه را از آسیب‌های این پدیده مصون داریم
محبوبیت بزهکاران در فضای مجازی، موضوعی است که می‌تواند تأثیرات بلندمدتی بر ارزش‌های اجتماعی، امنیت روانی جامعه و رفتارهای فردی بگذارد. هرچند دلایل مختلفی در پس این پدیده وجود دارد، اما با اقداماتی همگانی، از آموزش و نظارت گرفته تا تقویت هویت اجتماعی، می‌توان جامعه را از آسیب‌های این پدیده مصون داشت. این مسئولیتی است که بر عهده تمام افراد جامعه، از سیاست‌گذاران تا کاربران عادی، قرار دارد.

با آگاهی قهرمان‌سازی بزهکاران را معکوس کنیم
معصومه نصیری تحلیلگر رسانه به «شهروند» می‌گوید: «با افزایش نفوذ فناوری و گسترش شبکه‌های اجتماعی، پدیده قهرمان‌سازی از بزهکاران ممکن است در آینده به اشکال جدیدی نیز ظاهر شود. اما سیاست‌گذاران، خانواده‌ها، نهادهای آموزشی و حتی خود کاربران می‌توانند با»

ابعاد روان‌شناختی محبوبیت بزهکاران

بخش دیگری از این پدیده، به ابعاد روان‌شناختی مخاطبان برمی‌گردد. بسیاری از افرادی که بزهکاران را به‌عنوان قهرمان می‌بینند، در واقع به دنبال تخلیه روانی یا اعتراض به ساختارهای اجتماعی موجود هستند. حسین مهاجر روان‌شناس بر این باور است که تحسین بزهکاران در فضای مجازی می‌تواند ناشی از این باشد که افراد، به‌ویژه نوجوانان، در دوره‌ای از زندگی خود تمایل به زیر پا گذاشتن قواعد و محدودیت‌ها پیدا می‌کنند. او به «شهروند» می‌گوید: فضای مجازی بزهکارانی را نشان می‌دهد که بدون توجه به قوانین، زندگی هیجان‌انگیزی دارند؛ این افراد برای گروهی از کاربران جذاب می‌شوند. بسیاری از بزهکارانی که در فضای مجازی مطرح می‌شوند، داستان‌هایی مشابه با مخاطبانانشان دارند. مشکلات خانوادگی، فقر یا شکست‌های اجتماعی، عناصری هستند که باعث می‌شود کاربران به‌طور ناخودآگاه با آنان همزادپنداری کنند. مهاجر همچنین به تصویرسازی رسانه‌ای از بزهکاری اشاره کرد: «روایت‌های قهرمانانه از بزهکاران در فیلم‌ها، سریال‌ها و حتی موسیقی، تأثیری انگیزنده بر جذابیت این افراد در دنیای واقعی دارد. برخی کاربران، بزهکاران فضای مجازی را با شخصیت‌های محبوب سینمایی مقایسه می‌کنند و همان احساس قهرمان‌پرستی را نسبت به آنان نشان می‌دهند.»

او نقش خانواده را در جلوگیری از تحسین بزهکاران کلیدی دانست: «خانواده‌ها یکی از مهم‌ترین نهادهایی هستند که می‌توانند بر دیدگاه فرزندان خود درباره این موضوع تأثیر بگذارند. گفت‌وگوهای مستمر و باز با فرزندان، توضیح درباره پیامدهای بزهکاری و تحلیل محتوای فضای مجازی، ابزارهایی موثر برای مقابله با تأثیرات منفی این پدیده هستند.»

این روانشناس، مسئولیت اجتماعی کاربران را هم مهم می‌داند: «علاوه بر خانواده‌ها و سیاست‌گذاران، کاربران نیز نقش مهمی در مقابله با قهرمان‌سازی از بزهکاران دارند.»

در فضای مجازی، گاه شاهد آن هستیم که افرادی با سابقه بزهکاری، مانند دزدی، خشونت یا رفتارهای هنجارشکنانه، به چهره‌هایی محبوب تبدیل می‌شوند. برخی از این افراد با استفاده از جذابیت بصری، محتوای طنزآمیز یا روایت‌هایی که مخاطب را همدل می‌کند، موفق می‌شوند تصویری مثبت از خود ارائه دهند. این مسئله تنها به فرهنگ خاصی محدود نمی‌شود و در بسیاری از جوامع قابل مشاهده است.

سلمان کونانی جرم‌شناس در حوزه فضای مجازی معتقد است که شبکه‌های اجتماعی به دلیل الگوریتم‌های خود، بیشتر به محتوای جنجالی یا پرطرفدار توجه نشان می‌دهند. او به «شهروند» می‌گوید: «این الگوریتم‌ها، که بر اساس تعداد بازدید، لایک یا کامنت عمل می‌کنند، محتوای مجرمانه را به دلیل جذابیت ظاهری یا داستان‌پردازی، بیشتر نمایش می‌دهند.»

کونانی دلایل قهرمان‌سازی سلبریتی شرارت را هم این‌طور عنوان می‌کند: «بسیاری از افراد، به خصوص جوانان، به دنبال الگوهایی می‌گردند که از چارچوب‌های سنتی خارج شوند. تحسین بزهکاران، بحران هویتی است که در جوامع مدرن شکل گرفته است. بسیاری از بزهکاران در فضای مجازی، با روایت داستان‌های شخصی، تلاش می‌کنند تصویری انسانی از خود ارائه دهند. بیان مشکلات کودکی، فقر، یا بی‌عدالتی‌های اجتماعی، به شکلی طراحی می‌شود که مخاطب به جای تمرکز بر جرم، احساس همدردی پیدا کند. در واقع این پدیده ریشه در بحران ارزش‌ها و اختلالات هویتی دارد. فضای مجازی بستری فراهم کرده است که افراد بدون فیلتر، محتوای خود را منتشر کنند. برخی بزهکاران به دلیل انتشار ویدئوهای طنز، مصاحبه‌های جنجالی، یا ظاهر جذاب، میلیون‌ها دنبال‌کننده پیدا کرده‌اند. این موضوع می‌تواند خطرناک باشد؛ زیرا نوجوانان و جوانان، تحت تأثیر این افراد قرار گرفته و رفتارهای ناهنجار را تقلید کنند. بسیاری از کاربران، تحت تأثیر داستان‌پردازی‌ها و جلوه‌های بصری قرار می‌گیرند و فراموش می‌کنند که پشت این تصویر، یک بزهکاری واقعی وجود دارد. ما نیازمند نظارت بیشتر بر محتوای فضای مجازی هستیم. نباید به مجرمان اجازه داده شود که از این فضا برای قهرمان‌سازی خود سوءاستفاده کنند.»

راهکارهایی برای مقابله با قهرمان‌سازی مجرمان

عدم آموزش‌های مناسب درباره پیامدهای اجتماعی و اخلاقی جرم، باعث می‌شود که بخش‌هایی از جامعه بزهکاری را نوعی شجاعت یا قدرت تلقی کنند. کونانی راهکارهایی برای مقابله با این پدیده می‌دهد: «آموزش جامعه